

قرائت‌های دینی و تحقق دمکراسی در ایران

درآمد

در پیام نوروزی به شما خوانندگان گرامی وعده داده بودم به برخی از پرسش‌ها، نقدها و دیدگاه‌های شما - که جنبه عام داشته باشد - در این تارنما پاسخ بدهم. با پوزش از تاخیر در گشودن دفتر گفت و گو با کاربران عزیز، از این پس، گفت و شنود مکتوب ما را در این پایگاه در «رواق گفت و گو» می‌خوانید.

سید علی محمودی

مهدی احمدی (دانشجو) پرسیده است: مدرنیسم و مدرنیزاسیون با برداشت‌های دینی، تا چه اندازه می‌تواند به تحقق دمکراسی در ایران بیانجامد؟

این پرسش ظاهراً بر اساس مقاله «ایران معاصر و چالش مدرنیسم، مدرنیزاسیون و دمکراسی» مطرح شده است. در این مقاله در مورد سه مفهوم مدرنیسم، مدرنیزاسیون و مدرنیته، و تفاوت‌های میان آنها توضیح داده بودم. در اینجا به اشاره می‌نویسم که مراد از مدرنیسم، اصول و مفهومی‌هایی همچون آزادی، برابری، عدالت، خودبنیادی، حقوق بشر، دمکراسی، تساهل و مدارا، پاسخگویی، شفافیت و حکومت انتخابی با حاکمان دوره‌ای و چرخشی است. اما مدرنیزاسیون (نوسازی)، دربرگیرنده ساختارها، نهادها و نمودهای تمدنی مانند دانشگاه، دادگستری، راه آهن، بانک، ناوگان حمل و نقل، ارتباطات، وزارتخانه‌ها، مراکز صنعتی، تولیدی و تجاری، و مانند این‌ها است.

باید ببینیم مقصود از «برداشت‌های دینی» در پرسش بالا چیست؟ ما دست کم سه قرائت کلان از دین داریم: 1) قرائت سنت‌گرا، 2) قرائت بنیادگرا، و 3) قرائت نوگرا. قرائت سنت‌گرا از دین به سیره سلف صالح باور دارد و از اندیشه‌های نو و نوگرایی فاصله می‌گیرد. قرائت بنیادگرا، برخلاف قرائت سنت‌گرا، به اسلام سیاسی معتقد است اما جانبدار جزمیت، قیمومیت، خشونت ورزی و سخت‌گیری است و به شدت خود را پایبند ظواهر دینی و دین تاریخی نشان می‌دهد. قرائت نوگرا - که نواندیشان یا روشنفکران دینی، نمایندگان و سخنگویان آن هستند - ، می‌کوشد با درک دانش‌ها، فلسفه‌ها و مقتضیات زمان، تفسیری امروزی از اسلام ارائه کند و بر پایه کتاب، سنت، و عقل، میان مبانی دینی و اندیشه‌های نو، گونه‌ای هماهنگی و تلائم پدید آورد.

اکنون به پرسش بالا می‌رسیم. باید گفت قرائت سنت‌گرا از دین، با مدرنیسم و مدرنیزاسیون برخوردی یکسان ندارد. سنت‌گرایان با اصول و بنیان‌های فکری مدرن هم‌دلی و سازگاری ندارند، اما جوهری از مدرنیزاسیون را می‌پذیرند. اینان به راحتی در سایه آثار تمدن امروزی جهان زندگی می‌کنند و از

ظرفیت‌های فراخ آن بهره مند می‌شوند. قرائت بنیادگرا از دین، مدرنیسم را به شدت رد می‌کند و گرچه با مظاهر تمدن امروزی سرناسازگاری دارد، اما از امکانات آن مانند فن‌آوری در کار ترور و تخریب و کشتار مردم و هم چنین تبلیغات و اطلاع‌رسانی سود می‌جوید. قرائت نوگرا از دین، با پاره‌ای ملاحظات انتقادی در مورد مدرنیسم (که در مقاله «دمکراسی لیبرال و دینداری مومنانه» به آن پرداخته‌ام*)، علی‌الاصول نسبت به مدرنیسم پذیرش و همدلی دارد و با مدرنیزاسیون نیز همسو و همراه است.

اکنون اگر از دریچه نواندیشی دینی به مدرنیسم و مدرنیزاسیون بنگریم، به این باور می‌رسیم که این قرائت از دین، می‌تواند برای تحقق دمکراسی در ایران از ظرفیت‌های فراوان مدرنیسم و مدرنیزاسیون بهره‌برگیرد. اما از یاد نبریم که قرائت نواندیشی دینی نمی‌تواند نسبت به پاره‌ای از آموزه‌های لیبرالیسم بی‌طرف باشد؛ زیرا این آموزه‌ها در مواردی با بنیان‌های اعتقادی دینداران در تعارض است. مطالعه آثار نواندیشان دینی، تا حدودی تباین یاد شده را نشان می‌دهد. پیش‌بینی من آن است که در آینده موضوع چگونگی سازگاری و ناسازگاری زیست مومنانه دینداران با لیبرالیسم به مثابه گرانیگاه دمکراسی مدرن، مورد بحث‌ها و گفت‌وگوهای جدی قرار خواهد گرفت.

* این مقاله در آینده منتشر خواهد شد.